



The Expansion of Afghan Nationals and Cultural Security in the Islamic Republic of Iran

**Amir Mohammad
Dehpyazi**

Department of Politics and
International Relations,
Ha.C., Islamic Azad
University, Hamedan, Iran.
amirmohammad.dehpyazi@iau.ac.ir

Qasem Torabi

* Department of Politics and
International Relations,
Ha.C., Islamic Azad
University, Hamedan, Iran
(Corresponding author).
ghasemtorabi@iau.ac.ir

Alireza Rezaei

Department of Politics and
International Relations,
Ha.C., Islamic Azad
University, Hamedan, Iran.
dralireza.rezaei@iau.ac.ir

Received: 2025/05/07

Accepted: 2025/08/23

DOI:

10.22034jpcs.2025.1283158.1400



ABSTRACT

The expansion of the presence of Afghan nationals in the Islamic Republic of Iran, especially after the Taliban came to power, has had widespread consequences on the country's cultural security. This study aims to examine the effects of this presence on Iran's cultural, social, political, and economic security. The main question of the study is "how the increase in the number of Afghan immigrants can affect the country's cultural security?" Sub-questions examine specific threats in the political, economic, and cultural and social domains. The main hypothesis is that the large presence of Afghan nationals, coupled with increased extremism and terrorist threats, could lead to cultural security problems in Iran. This paper analyzes the available data using theoretical frameworks related to cultural security and migration. The findings indicate that the increasing population of Afghan migrants in Iran could bring about several challenges, including increased social tensions and cultural threats and pressure on economic resources. In addition, political-cultural threats arising from the possible influence of extremist and terrorist groups are also examined as an important factor. Finally, solutions are proposed to better manage this situation and reduce security and cultural threats.

Keywords: Afghan nationals, Iran, migration, national security, cultural security, political security, economic security.

► **Citation (Vancouver):** Dehpyazi AM, Torabi Q, Rezaei A, The Expansion of Afghan Nationals and Cultural Security in the Islamic Republic of Iran. *Police Cultural Studies*, 2025; 12(2): 15-28.

► **Citation (APA):** Dehpyazi, AM., Torabi, Q., Rezaei, A., (2025) The Expansion of Afghan Nationals and Cultural Security in the Islamic Republic of Iran. *Police Cultural Studies*, 12(2), 15-28.

گسترش حضور اتباع افغانه و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

گسترش حضور اتباع افغانستان در جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن طالبان، پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت ملی کشور داشته است. این تحقیق باهدف بررسی تأثیرات این حضور بر امنیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران انجام شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه افزایش تعداد مهاجران افغانی می‌تواند امنیت فرهنگی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. پرسش‌های فرعی به بررسی تهدیدات خاص در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و همچنین چالش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازند. فرضیه اصلی این است که حضور گسترده اتباع افغانستان، همراه با افزایش افراطی‌گری و تهدیدات تروریستی، می‌تواند منجر به بروز مشکلات امنیتی و فرهنگی در ایران شود. در این مقاله، با استفاده از چارچوب‌های نظری مرتبط با امنیت ملی و مهاجرت، به تحلیل داده‌های موجود پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که افزایش جمعیت مهاجران افغانی در ایران می‌تواند چالش‌های متعددی از جمله فشار بر منابع اقتصادی، افزایش تنش‌های اجتماعی و تهدیدات فرهنگی به همراه داشته باشد. همچنین، تهدیدات سیاسی ناشی از نفوذ احتمالی گروه‌های افراطی و تروریستی نیز به‌عنوان عاملی مهم مورد بررسی قرار گرفته است. درنهایت، راهکارهایی برای مدیریت بهتر این وضعیت و کاهش تهدیدات امنیتی و فرهنگی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: اتباع افغانستان، امنیت ملی، ایران، مهاجرت، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی.

امیرمحمد دهپیزی

گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل،
واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی،
همدان، ایران.

amirmohammad.dehpyazi@iau.ac.ir

قاسم ترابی

* گروه علوم سیاسی و روابط
بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد
اسلامی، همدان، ایران (نویسنده
مسئول).
ghasemtorabi@iau.ac.ir

علیرضا رضایی

گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل،
واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی،
همدان، ایران.

dralireza.rezaei@iau.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۲۸-۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034jps.2025.1283158.1400

◀ **استناد (ونکوور):** دهپیزی ا م، ترابی ق، رضایی ع ر. گسترش حضور اتباع افغانه و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۴۰۴، ۱۲(۲): ۲۸-۱۵.

◀ **استناد (APA):** دهپیزی، ا م، ترابی، ق، رضایی، ع ر. (۱۴۰۴). گسترش حضور اتباع افغانه و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۲(۲)، ۲۸-۱۵.

حضور اتباع افغانستان در جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن طالبان، به یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز در عرصه سیاست داخلی و امنیت ملی کشور تبدیل شده است. این مسئله به دلایل مختلفی اهمیت دارد: از یک‌سو، ایران همسایه‌ای با تاریخ فرهنگی و اجتماعی مشترک با افغانستان است و از سوی دیگر، تحولات سیاسی و امنیتی در افغانستان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر ایران دارند. به‌عنوان مثال، با افزایش نامنی و بی‌ثباتی در افغانستان، موجی از مهاجرت به سمت ایران آغاز شده که این امر چالش‌هایی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای کشور ایجاد کرده است. با توجه به شرایط پیچیده امنیتی در منطقه و افزایش افراطی‌گری، ضروری است تا به‌دقت بررسی شود که چگونه حضور گسترده اتباع افغان می‌تواند بر امنیت و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارد. هدف اصلی این تحقیق تحلیل تأثیرات حضور گسترده اتباع افغانی بر امنیت و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران است. این تحقیق به دنبال بررسی ابعاد مختلف این تأثیرات، از جمله امنیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. از این‌رو، در این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که چگونه گسترش حضور اتباع افغان می‌تواند امنیت کشور را تحت تأثیر قرار دهد؟ چه تهدیداتی از لحاظ سیاسی و اقتصادی ناشی از این وضعیت بر امنیت ملی ایران وجود دارد؟ و حضور اتباع افغان چگونه می‌تواند بر امنیت فرهنگی و اجتماعی ایران تأثیر بگذارد؟

پرسش اصلی تحقیق به دنبال شناسایی تأثیرات گسترش حضور اتباع افغانستان بر امنیت ملی و فرهنگی ایران است. به‌طور خاص، پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از: گسترش حضور اتباع کشور افغانستان در جمهوری اسلامی ایران چگونه امنیت کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ گسترش حضور اتباع افغان در ایران چگونه امنیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند؟ و گسترش حضور اتباع افغان در ایران چگونه امنیت فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند؟ این پرسش‌ها به‌خوبی نمایانگر ابعاد مختلف مسئله هستند و به‌تدریج می‌توانند به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و تهدیدات موجود کمک کنند.

فرضیه اصلی تحقیق این است که گسترش حضور اتباع افغانستان در جمهوری اسلامی ایران پس از به قدرت رسیدن طالبان که با افزایش افراطی‌گری و تروریسم همراه بوده است، امنیت و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد. این فرضیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا سیاست‌های مناسبی برای مدیریت وضعیت مهاجرت اتباع افغان و کاهش تهدیدات امنیتی و فرهنگی اتخاذ کنند. به‌علاوه، تحلیل این فرضیه می‌تواند موجب گسترش دانش علمی و شناخت عمیق‌تری از چالش‌ها و راهکارهای ممکن در این حوزه شود.

با توجه به شرایط کنونی و تأثیرات گسترده‌ای که حضور اتباع افغانستان بر جوانب مختلف زندگی اجتماعی و امنیتی ایران دارد، این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک منبع مفید برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران در زمینه امنیت ملی، فرهنگی و مدیریت مهاجرت به‌شمار آید. با بررسی دقیق این موضوع، امید است که بتوان راهکارهایی را برای کاهش تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود ارائه داد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق با تکیه بر مفاهیم بنیادین امنیت ملی و مهاجرت شکل گرفته است و هدف آن، بررسی تأثیرات حضور گسترده مهاجران بر ابعاد مختلف امنیت در کشور میزبان است. امنیت ملی به‌عنوان یک مفهوم چندوجهی و پیچیده، شامل حوزه‌های متعددی از جمله امنیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که هر کدام می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر مهاجرت قرار بگیرند. یکی از نظریات مطرح در این زمینه، نظریه «نقش مهاجران در امنیت ملی» است که به بررسی ابعاد مختلف تأثیرات مهاجرت بر امنیت کشور میزبان می‌پردازد. این نظریه بیان می‌کند که افزایش تعداد مهاجران ممکن است به تهدیداتی در امنیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بینجامد و سبب بروز مسائلی نظیر افزایش نرخ جرائم، تنش‌های اجتماعی و نارضایتی‌های عمومی گردد. طبق این نظریه، حضور پرشمار مهاجران می‌تواند منجر به تغییر در ساختارهای اجتماعی و نظم عمومی کشور میزبان شده و در نتیجه، احساس ناامنی در میان جامعه میزبان را تقویت

کند. در بعد اقتصادی، نظریه‌های مختلف اقتصادی مطرح می‌کنند که مهاجرت می‌تواند تأثیرات متعددی بر منابع و بازار کار کشور میزبان داشته باشد. این نظریات بر این باورند که مهاجران اغلب به دلیل نیازهای اقتصادی و معیشتی خود وارد بازار کار کشور میزبان می‌شوند و در برخی موارد، به رقابت با نیروی کار داخلی می‌پردازند. این رقابت می‌تواند فشارهای اقتصادی را افزایش دهد و به کاهش فرصت‌های شغلی برای جامعه میزبان منجر شود.

همچنین، مهاجرت گسترده ممکن است موجب افزایش تقاضا برای خدمات عمومی، بهداشت و آموزش شده و به فشار بر منابع مالی و اقتصادی کشور بینجامد. این موضوع به‌ویژه زمانی بحرانی‌تر می‌شود که دستگاه‌های خدمات عمومی کشور میزبان برای پاسخ‌گویی به نیازهای جمعیت فزاینده مهاجران، آماده نباشند. در زمینه فرهنگی و اجتماعی نیز نظریه «هویت فرهنگی» مطرح می‌کند که ورود مهاجران به یک جامعه ممکن است باعث بروز تغییراتی در هویت فرهنگی آن جامعه شود. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که تفاوت‌های فرهنگی بین مهاجران و جامعه میزبان می‌تواند منجر به تعارض‌ها و حتی نارضایتی‌های اجتماعی شود، به‌ویژه زمانی که فرهنگ مهاجران به‌طور قابل توجهی با ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی جامعه میزبان در تضاد باشد. در این شرایط، ممکن است جامعه میزبان احساس کند که هویت و ارزش‌های فرهنگی خود در معرض تهدید قرار گرفته است و این نگرانی به ایجاد تنش‌های اجتماعی بینجامد. این چارچوب نظری به ما کمک می‌کند تا از زاویه‌ای جامع‌تر و چندبعدی به مسئله حضور مهاجران نگاه کنیم و چالش‌های مربوط به این حضور را در سطوح مختلف تحلیل نماییم.

پیشینه تحقیق

در زمینه حضور مهاجران افغان در ایران و پیامدهای آن بر جامعه میزبان، پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی صورت گرفته است که ابعاد مختلف این پدیده را از زوایای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی موردبررسی قرار داده‌اند. بسیاری از مطالعات در زمینه اقتصادی نشان داده‌اند که حضور گسترده مهاجران افغان فشارهای اقتصادی مضاعفی را بر جامعه میزبان وارد کرده است. به‌عنوان مثال، برخی تحقیقات به این نکته اشاره دارند که استفاده مهاجران از خدمات عمومی و زیرساخت‌های اجتماعی همچون

سیستم‌های بهداشتی، آموزشی و مسکن، به هزینه‌های دولت و فشار بر منابع مالی کشور می‌افزاید. این مسئله به‌ویژه در مناطقی که تراکم مهاجران بالاست، چالش‌های متعددی برای مدیریت و تخصیص منابع ایجاد کرده و نیازمند تدوین سیاست‌های جامع‌تری در این زمینه است. در بعد امنیتی، برخی پژوهش‌ها به‌طور خاص به بررسی خطرات و تهدیدات امنیتی حضور اتباع افغان در ایران پرداخته‌اند. این تحقیقات بر این باورند که تحولات اخیر افغانستان، به‌ویژه با به قدرت رسیدن طالبان، نگرانی‌ها درباره افزایش افراط‌گرایی و تهدیدات تروریستی را در مرزهای ایران افزایش داده است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده‌اند، تأکید دارند که این تحولات سیاسی و اجتماعی در افغانستان ممکن است به حضور جریان‌های افراطی در میان مهاجران افغان منجر شود و در نتیجه، تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران به وجود آورد. این تحقیقات همچنین نشان می‌دهند که حضور قابل‌توجه مهاجران افغان، فشارهایی را بر نهادهای امنیتی و مرزهای ایران وارد می‌کند و به‌ویژه، امنیت مرزی و داخلی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بعد فرهنگی و اجتماعی، تحقیقات بسیاری به بررسی چالش‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی بین مهاجران افغان و جامعه ایرانی پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تفاوت‌های فرهنگی و هویتی بین این دو گروه می‌تواند به تنش‌های اجتماعی و نارضایتی‌های جامعه میزبان منجر شود. به‌ویژه در مناطقی که تراکم مهاجران افغان بالا است، تغییرات هویتی و فرهنگی مشاهده شده و این تغییرات ممکن است برای برخی از اعضای جامعه میزبان ناخوشایند تلقی شود. همچنین، برخی از مطالعات به بررسی مشکلات و چالش‌های مرتبط با همزیستی مسالمت‌آمیز بین مهاجران و جامعه میزبان پرداخته‌اند و بر نیاز به طراحی برنامه‌های جامع فرهنگی و اجتماعی تأکید کرده‌اند تا از بروز سوءتفاهم‌ها و تنش‌های اجتماعی جلوگیری شود.

مرور تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که مسئله حضور مهاجران افغان در ایران نه تنها یک چالش فرهنگی، اقتصادی و امنیتی بلکه یک مسئله چندبعدی است که نیازمند نگاه جامع‌تر و اقدامات مؤثرتر در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. از آنجاکه ایران به‌عنوان یکی از کشورهای میزبان بزرگ برای اتباع افغان شناخته می‌شود،

بالای بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی و فشارهای اقتصادی، چالش‌های جدی را برای جامعه میزبان ایجاد کرده است. به قدرت رسیدن طالبان در سال ۲۰۲۱ بار دیگر موجی از مهاجرت به سمت ایران و دیگر کشورها را به وجود آورد. این موج مهاجرت به دلیل شرایط ناامنی و بی‌ثباتی در افغانستان به‌ویژه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود.

ناامنی و خشونت: به قدرت رسیدن طالبان باعث افزایش خشونت و نقض حقوق بشر در افغانستان شد. بسیاری از مردم به‌ویژه اقلیت‌ها، زنان و جوانان که به دنبال زندگی بهتر و فرصت‌های تحصیلی بودند، از کشور فرار کردند.

۱. وضعیت اقتصادی: بحران اقتصادی در افغانستان

به دلیل تحریم‌ها و عدم دسترسی به منابع مالی، موجب بیکاری و فقر بیشتر شد. این وضعیت باعث شد تا بسیاری از افغان‌ها به دنبال زندگی بهتر و فرصت‌های اقتصادی به ایران بیایند.

۲. تغییرات اجتماعی و فرهنگی: تغییرات اجتماعی

و فرهنگی در افغانستان و تلاش بسیاری از جوانان برای بهبود وضعیت اجتماعی و تحصیلی، نیز بر تمایل به مهاجرت تأثیر گذاشته است.

۳. حمایت‌های بین‌المللی: برخی از کشورهای

خارجی و نهادهای بین‌المللی، با توجه به وضعیت انسانی و حقوق بشر در افغانستان، به مهاجران افغان در کشورهای دیگر مانند ایران کمک کردند. این حمایت‌ها همچنین موجب تسهیل فرآیند مهاجرت و پناهندگی شده است.

این عوامل در کنار یکدیگر، موجب افزایش چشمگیر تعداد مهاجران افغان به ایران شده است و در نتیجه، چالش‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. بررسی دقیق‌تر این وضعیت و تحلیل ابعاد مختلف آن، به سیاست‌گذاران کمک خواهد کرد تا راهکارهایی برای مدیریت این بحران ارائه دهند.

بررسی این مطالعات و پژوهش‌ها می‌تواند به درک بهتر این چالش‌ها و تهدیدات کمک کرده و به سیاست‌گذاران در تدوین راهبردهای مناسب و مؤثر برای مدیریت این وضعیت یاری رساند.

تحلیل وضعیت حضور اتباع افغانستان در ایران

تحلیل وضعیت حضور اتباع افغانستان در ایران، نیازمند بررسی جامع پیشینه تاریخی، آمار و داده‌های مرتبط و همچنین عوامل مؤثر بر افزایش مهاجرت پس از به قدرت رسیدن طالبان است. این تحلیل به شناخت بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه کمک می‌کند.

حضور اتباع افغان در ایران به دهه‌ها قبل برمی‌گردد و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشته است. در ابتدا، مهاجرت‌های افغان‌ها به ایران به دلیل جنگ‌های داخلی و اشغال افغانستان توسط شوروی در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. آن زمان، بسیاری از افغان‌ها برای نجات از جنگ و ناامنی به ایران پناه آوردند. این موج بزرگ مهاجرت، به‌ویژه در مناطق مرزی ایران، موجب تشکیل جوامع افغان در کشور شد.

باگذشت زمان، عوامل اقتصادی نیز به‌عنوان یکی از دلایل ادامه مهاجرت افغان‌ها به ایران مطرح شدند. بسیاری از اتباع افغان به دنبال فرصت‌های شغلی و زندگی بهتر به ایران آمدند و در بخش‌های مختلف اقتصادی مشغول به کار شدند. علاوه بر این، پس از سقوط حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ و ایجاد حکومت جدید، برخی از افغان‌ها به کشور خود بازگشتند، اما با تشدید بحران‌های سیاسی و امنیتی در افغانستان، بار دیگر شاهد افزایش مهاجرت به سمت ایران بودیم.

آمار و داده‌ها نشان می‌دهند که حضور اتباع افغان در ایران در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل و نهادهای مرتبط، حدود ۳ تا ۴ میلیون افغان در ایران زندگی می‌کنند که برخی از آن‌ها دارای وضعیت قانونی و برخی دیگر به صورت غیرقانونی در کشور حضور دارند. این آمار نشان می‌دهد که حضور افغان‌ها در ایران عمدتاً در استان‌های مرزی و بزرگ شهری مانند تهران، مشهد و اصفهان متمرکز است. شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این جمعیت، شامل سطح

– تأثیرات حضور اتباع افغانستان بر امنیت سیاسی و اقتصادی

حضور اتباع افغانستان در ایران تأثیرات قابل توجهی بر امنیت سیاسی و اقتصادی کشور دارد. این تأثیرات به‌ویژه در شرایط کنونی که افغانستان با بحران‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجه است، بیشتر به چشم می‌آید.

در حوزه امنیت سیاسی، افزایش تعداد مهاجران افغان می‌تواند به تهدیدات جدی منجر شود. یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها، احتمال نفوذ افراطی‌گری و تروریسم است. با توجه به سابقه طالبان و گروه‌های افراطی دیگر در افغانستان، احتمال اینکه برخی از این مهاجران به ایدئولوژی‌های افراطی جذب شوند وجود دارد. این مسئله می‌تواند به ایجاد گروه‌های افراطی در ایران و افزایش تهدیدات تروریستی منجر شود. به‌علاوه، حضور افغان‌ها ممکن است موجب بروز تنش‌های اجتماعی و فرهنگی گردد که این تنش‌ها می‌توانند ناراضی‌های عمومی و سیاسی را افزایش دهند و در نتیجه، امنیت سیاسی کشور را به خطر اندازند. مسائل مربوط به جاسوسی و نفوذ سیاسی نیز مطرح می‌شود. برخی از گروه‌های خارجی ممکن است از حضور افغان‌ها به‌عنوان ابزاری برای نفوذ در سیاست‌های داخلی ایران استفاده کنند.

این امر می‌تواند به تشدید تنش‌های سیاسی و امنیتی منجر شود. همچنین، با افزایش تعداد مهاجران، کنترل مرزها و امنیت مرزی به چالش کشیده می‌شود. این وضعیت نه تنها بر امنیت مرزها تأثیر می‌گذارد بلکه می‌تواند به نفوذ گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان نیز منجر شود.

در حوزه امنیت اقتصادی، حضور اتباع افغان تأثیرات قابل توجهی بر بازار کار و بیکاری در ایران دارد. رقابت برای شغل‌ها یکی از چالش‌های اصلی است که مهاجران افغان برای بازار کار ایجاد می‌کنند. این رقابت می‌تواند منجر به بیکاری بیشتر در میان ایرانی‌ها شود، به‌ویژه در مناطق محروم. همچنین، ورود مهاجران ممکن است به کاهش دستمزدها منجر گردد، زیرا کارفرمایان به‌دنبال استفاده از کارگران ارزان‌قیمت افغان هستند. این امر می‌تواند موجب ناراضی‌های در بین کارگران ایرانی و افزایش تنش‌های اجتماعی گردد. حضور افغان‌ها بر بار مالی دولت در زمینه خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. با افزایش تعداد مهاجران، سیستم بهداشت و درمان کشور با چالش‌های جدیدی مواجه خواهد شد. نیاز به ارائه خدمات پزشکی و درمان بیماری‌ها برای جمعیت بالای مهاجران

می‌تواند هزینه‌های زیادی را به دولت تحمیل کند. همچنین، تأمین نیازهای آموزشی برای کودکان افغان در شرایطی که سیستم آموزشی ایران تحت فشار است، چالش دیگری به وجود می‌آورد. این وضعیت می‌تواند نیاز به منابع مالی بیشتری برای تأمین امکانات آموزشی و معلمان ایجاد کند.

حضور اتباع افغان همچنین می‌تواند به گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران منجر شود. بسیاری از افغان‌ها به‌دلیل محدودیت‌های قانونی، در بخش غیررسمی کار می‌کنند. این امر می‌تواند به افزایش فعالیت‌های غیرقانونی و رقابت ناعادلانه در بازار کار منجر گردد. پیامدهای اجتماعی ناشی از این وضعیت می‌تواند شامل بروز مشکلات اجتماعی، از جمله فساد و ناراضی‌های عمومی باشد. تأثیرات حضور اتباع افغانستان بر امنیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند توجه ویژه‌ای است. تحلیل دقیق این چالش‌ها و خطرات می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا راهکارهای مناسبی برای مدیریت وضعیت و کاهش تهدیدات امنیتی و اقتصادی ارائه دهند.

– تأثیرات حضور اتباع افغانستان بر امنیت فرهنگی و اجتماعی

حضور اتباع افغانستان در ایران تأثیرات عمیقی بر امنیت فرهنگی و اجتماعی کشور دارد. این تأثیرات در حال حاضر و در آینده نزدیک می‌تواند چالش‌های متعددی را به وجود آورد که نیاز به تحلیل دقیق دارد.

تغییرات فرهنگی ناشی از افزایش حضور مهاجران افغان، می‌تواند به‌طور چشمگیری بر سبک زندگی و فرهنگ ایرانی تأثیر بگذارد. در ابتدا، این تغییرات ممکن است به ادغام فرهنگی و تبادل تجربیات میان دو فرهنگ منجر شود، اما درعین حال، چالش‌هایی نیز به همراه خواهد داشت.

بحث از امنیت فرهنگی در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد اگر در قرون قبل دو عنصر نظامی‌گری و اقتصاد در تأمین امنیت کشورها در دو بعد داخلی و خارجی نقش بسزا ایفاء می‌کردند در قرن بیست و یکم ضروری است که بر مدخلیت بیشتر عنصر فرهنگ و اهمیت آن تأکید بیشتر شود (اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). زبان، مذهب و سنن فرهنگی، هرکدام به‌نوبه خود در اندیشه حکومت سهم دارند (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۴) در مطالعات دفاعی-امنیتی، این بعد

اثرپذیری و استحاله فرهنگی صورت می‌پذیرد و به صورت تناقض‌آمیزی، درحالی‌که امنیت ملی و حاکمیت‌های ملی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده، ثبات بین‌المللی هم به گونه بی‌سابقه‌ای به‌عنوان یک هدف امنیتی اولویت پیدا کرده است (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

الف) تحلیل تغییرات فرهنگی و پیامدهای احتمالی در سبک زندگی و فرهنگ ایرانی

۱. تبادل فرهنگی: حضور اتباع افغان می‌تواند موجب تبادل فرهنگی شود و تجربیات و شیوه‌های زندگی جدیدی را به جامعه ایرانی معرفی کند. این تبادل فرهنگی می‌تواند به غنی‌تر شدن فرهنگ میزبان کمک کند، اما درعین‌حال ممکن است برخی از عناصر فرهنگی ایرانی تحت تأثیر قرار گیرد.

۲. چالش‌های فرهنگی: به‌ویژه در مناطق پرجمعیت مهاجر، ممکن است برخی از عناصر فرهنگی افغان، بر روی سبک زندگی و فرهنگ محلی تأثیر بگذارد. این تغییرات می‌توانند موجب بروز تنش‌های فرهنگی و اجتماعی شوند. به‌عنوان مثال، ممکن است برخی از سنت‌ها و آداب افغان‌ها به‌سرعت در جامعه میزبان پذیرفته نشوند و این موضوع به احساس تهدید هویتی در بین جامعه ایرانی منجر شود.

ب) بررسی چالش‌های هویتی و فرهنگی در مناطق پرجمعیت مهاجر

۱. چالش‌های هویتی: حضور گسترده افغان‌ها ممکن است به چالش‌های هویتی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی منجر شود. برخی از افراد ممکن است احساس کنند که هویت فرهنگی آن‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و این موضوع می‌تواند به بروز واکنش‌های منفی و انزجار اجتماعی منجر گردد.

۲. تعارضات فرهنگی: در مناطقی که جمعیت مهاجرین افغان بیشتر است، ممکن است تعارضات فرهنگی به وجود آید. این تعارضات می‌توانند به‌خصوص در زمینه‌های مذهبی، زبانی و سنت‌ها خود را نشان دهند. به‌عنوان مثال، اختلافات در زمینه برگزاری مراسم و مناسک مذهبی می‌تواند به بروز تنش‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود.

از امنیت به دلیل ابهام در مرزهای مفهومی از یک‌سو و غلبه ابعاد نظامی و سیاسی امنیت و قدرت در دوران جنگ سرد، کم‌تر از سایر ابعاد امنیت مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و کم‌تر تنظیم و طبقه‌بندی شده است. اما با تحولات ناشی از فروپاشی نظام دوقطبی و پایان دوران جنگ سرد، ابعاد فرهنگی امنیت برجستگی و اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. برخی از وجوه این برجستگی و اهمیت؛ بر اثر انقلاب در دانش، فناوری و تجهیزات مربوط به اطلاعات و ارتباطات، مبادلات و تعاملات فرهنگی به‌صورت چشمگیر، نامحدود و غیرقابل کنترل افزایش یافته و حاکمیت‌های ملی و حتی فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های ملی در حال کم‌رنگ شدن هستند؛ عرصه‌های رقابت میان قدرت‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به دوران جنگ سرد، به‌کلی متحول شده‌اند به‌گونه‌ای که محور رقابت از سیاست به انسان، ابزار رقابت از «قدرت» -به‌ویژه قدرت نظامی- به «فرهنگ و اقتصاد» و فضای رقابت نیز از «فضای رعب و وحشت»، به «جهانی‌سازی» تغییر یافته است.

برخلاف دوران جنگ سرد که نظام دوقطبی مادی با حذف فرهنگ، به‌ویژه فرهنگ دینی از معادلات قدرت بر جهان حاکم بود، جهان در حال ظهور کنونی، جهانی چندقطبی با محوریت فرهنگ و تمدن دینی است؛ در گذشته، معادلات امنیتی معطوف به قدرت نظامی بود؛ ولی در شرایط فعلی، نه تنها قدرت واقعی جنبه نرم‌افزاری و ماهیت فرهنگی و اقتصادی پیدا کرده، بلکه همه فعالیت‌ها و رقابت‌ها و حتی جنگ‌های نظامی موج سوم، ماهیتاً دانش‌محور و دانایی‌محور شده و بیش از هر چیز جنبه نرم‌افزاری به خود گرفته است. بنابراین، گفته می‌شود که در شرایط فعلی ابرقدرت واقعی قدرتی است که از توان نرم‌افزاری و فرهنگی بی‌رقیب برخوردار است و می‌تواند در مقیاس جهانی و با برتری مطلق به تولید، توزیع و مصرف انبوه دانش، اطلاعات و فناوری دست بزند و به‌جای خاک، حوزه‌های فکری و فرهنگی را به تصرف خود درآورد؛ در شرایط فعلی، در هم تنیدگی منافع ملت‌ها و وابستگی متقابل جهانی، توان حکومت‌ها را برای جدا کردن مردم از این تأثیرپذیری کاهش داده و نفوذ متقابل جوامع را تقویت کرده است. در شرایط فرانو، مردم دنیا بیش‌تر در معرض افکار و ایدئولوژی‌های بیگانه قرار می‌گیرند و بیش‌تر از گذشته به تعامل فرهنگی و تبادل فرهنگی می‌پردازند و در شرایط نابرابر رقابت فرهنگ‌ها، بیش‌تر از هر زمان دیگری

ج) پیامدهای مهاجرت اتباع افغانه بر امنیت فرهنگی
امنیت فرهنگی؛ مصونیت فرهنگی فرد و جامعه از هرگونه تعرض و تهدید است؛ و به عبارت دیگر ایجاد وضعیتی مطمئن، آرام‌بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض که انسان نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب‌ورسوم، باورها و ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... تدارک دیده است. بر اساس این تعریف معنای عینی امنیت فرهنگی، فقدان تهدید میراث فرهنگی و آثار و ارزش‌های کسب‌شده و معنای ذهنی آن فقدان ترس از حمله‌ها و حمله‌هایی است که ارزش‌ها، آداب‌ورسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله یا نابودی قرار می‌دهد.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «بی‌شک والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد». مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «جا دارد در برنامه پنج‌ساله دوم به مسائل فرهنگی اهتمام مضاعفی بکنند اگرچه مسائل اقتصادی مهم است و مسائل صنعتی و کشاورزی بسیار حائز اهمیت است اما به ظن قوی همه این‌ها بدون اهتمام به مسائل فرهنگی ناکام خواهد شد» (اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). بنابراین یکی از شاخص‌های اصلی مورد مطالعه در ابعاد فرهنگی حضور افغانه تاثیرپذیری و تاثیرگذاری آن‌ها در بخش فرهنگ است. نکته اساسی این است که این پنج بخش از امنیت، جدا از یکدیگر و منفصل از هم عمل نمی‌کنند؛ بلکه در یک تعامل پیوسته و با ماهیتی کاملاً همبسته از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند، ضمن آنکه هر یک دارای نقطه کانونی مهمی در درون مسئله امنیت و روشی ویژه برای تنظیم اولویت‌های امنیتی نیز می‌باشند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

با توجه به مطالب پیش‌گفته و در ارتباط با سازگاری سازی این نظریه‌ی مهاجرت با واقعیات حاکم بر موضوع مهاجران افغانی در ایران شایان ذکر است که تضعیف هویت به‌عنوان اصلی‌ترین مبنای امنیت فرهنگی از پیامدهای تهدیدآمیز این واقعه می‌باشد که در طول زمانی نه‌چندان کوتاه از ظرفیت مبدل گشتن به موضوعی امنیتی نیز برخوردار است. در این بین ازدواج مردان افغانی با زنان ایرانی و عدم ثبت رسمی و قانونی آن و در نتیجه به دنیا آمدن هزاران فرزند سرگردان و بی‌هویت در جامعه‌ی ایرانی، نداشتن وضعیت حقوقی روشن این قشر از زنان، مسأله

خروج افغان‌ها از ایران و بلاتکلیفی همسران ایرانی آن‌ها و بسیاری معضلات اجتماعی و حقوقی دیگر، از بازتاب‌های این اقدام مهاجرین می‌باشد که در طول زمان هویت ملی ایران که از مؤلفه‌های ارجح امنیت فرهنگی می‌باشد را نشانه گرفته است. چراکه فرزندان متولدشده از این ازدواج‌ها نیز، دارای مدارک هویت ایرانی نبوده و بلاتکلیف در جامعه رها می‌شوند. صدور شناسنامه، تحصیل، اشتغال، خدمت وظیفه، اخذ گواهینامه رانندگی و ده‌ها مسئله اجتماعی دیگر، از جمله مشکلات این خیل نه‌چندان کم است. با ازدواج غیرقانونی اتباع بیگانه با بانوان ایرانی، یکی از تهدیدات اصلی، بحث امنیت انسانی است که ممکن است در سطح وسیع‌تری شیوع پیدا کند و تبدیل به تهدید و امنیت اجتماعی شود.

فی‌المثل با ورود غیرقانونی اتباع افغانی به ایران و ازدواج آن‌ها با دختران ایرانی، وجود انواع بیماری را می‌توان در آن‌ها فرض کرد، به طوری که به لحاظ غیرقانونی بودن چنین ازدواج‌هایی هیچ‌گونه اعتمادی نسبت به سلامت مردان دیگر کشورها نمی‌توان داشت. در پژوهشی که در سال ۶۹ روی بهداشت مهاجرین افغانی انجام یافته است، اکثر افغانی‌ها (%۹۰) در بدو ورود مبتلا به بیماری‌های گوناگونی از قبیل سل، مالاریا، امراض پوستی و... بوده‌اند. در کشور افغانستان نیز به دلیل پایین بودن سطح بهداشت عمومی امید به زندگی در سطح پایین می‌باشد. تهدید امنیت فردی زمانی به تهدید امنیت اجتماعی تبدیل می‌شود که این نوع بیماری‌ها از حالت فردی عبور کرده و بخشی از جامعه را به خود مبتلا سازد (سید شکری و استاد رحیمی، ۱۳۸۶: ۵).

همچنین مهاجرین افغانی می‌توانند بر امنیت بهداشتی شهروندان ایرانی تأثیرات منفی داشته باشند. به‌عنوان مثال، علت بالا بودن نسبی موارد مالاریا در بین افغانه ناشی از شیوه زندگی آن‌ها و عدم توجه به روش‌های پیشگیرانه از انتقال مالاریا می‌باشد و این مهاجرین ارتباط ضعیفی با مراکز بهداشتی - درمانی دارند که این امر نیز در درمان به‌موقع کامل بیماری اهمیت زیادی خواهد داشت (علیپور، ۱۳۹۲: ۱۶۰). همچنین پیامدهای امنیتی حضور افغان‌ها حوزه امنیت ملی؛ را می‌توان در امنیت نظامی و زیست‌محیطی (با ملاحظات خاص) نیز در نظر گرفت.

– امنیت اجتماعی

حضور اتباع افغان همچنین تأثیرات قابل توجهی بر نظام اجتماعی و مسائل اجتماعی کشور دارد. این تأثیرات می‌تواند شامل افزایش نرخ جرم و جنایت، تنش‌های اجتماعی و مشکلات مربوط به ازدواج‌های مختلط باشند.

الف) تأثیرات بر نظام اجتماعی، از جمله نرخ جرم و جنایت

۱. نرخ جرم و جنایت: برخی تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش جمعیت مهاجر ممکن است به افزایش نرخ جرم و جنایت منجر شود. در مناطقی که مهاجران افغان ساکن هستند، ممکن است بروز رفتارهای مجرمانه و عدم انطباق با قوانین محلی بیشتر مشاهده شود. این مسئله می‌تواند به نگرانی‌های عمومی و نارضایتی از سوی جامعه میزبان منجر گردد.

۲. جرم و جنایت سازمان‌یافته: در برخی موارد، حضور مهاجران می‌تواند به افزایش فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق انسان و مواد مخدر منجر شود. این فعالیت‌ها می‌تواند به‌ویژه در مناطق مرزی و پرجمعیت مهاجر در ایران بیشتر به چشم بیایند و امنیت اجتماعی را تهدید کنند.

ب) تحلیل تنش‌های احتمالی بین جامعه میزبان و مهاجران

۱. تنش‌های اجتماعی: افزایش جمعیت مهاجر می‌تواند به بروز تنش‌های اجتماعی میان جامعه میزبان و مهاجران منجر شود. این تنش‌ها ممکن است ناشی از نابرابری‌های اقتصادی، رقابت برای منابع محدود و اختلافات فرهنگی باشد. در این شرایط، ممکن است جامعه میزبان نسبت به مهاجران احساس بی‌اعتمادی و نارضایتی کند.

۲. واکنش‌های اجتماعی: در برخی موارد، این تنش‌ها می‌تواند به بروز واکنش‌های منفی و خشونت‌آمیز علیه مهاجران منجر شوند. این نوع واکنش‌ها نه تنها می‌تواند به آسیب به مهاجران منجر شود، بلکه بر روی امنیت اجتماعی کل کشور نیز تأثیرگذار خواهد بود.

ج) مشکلات اجتماعی نظیر ازدواج‌های مختلط و پیامدهای آن

۱. ازدواج‌های مختلط: یکی از چالش‌های اجتماعی ممکن، افزایش ازدواج‌های مختلط میان ایرانی‌ها و افغان‌ها است. این نوع ازدواج‌ها ممکن است به بروز اختلافات خانوادگی و اجتماعی منجر شوند، به‌خصوص در خانواده‌هایی که به‌شدت به سنت‌های فرهنگی و مذهبی خود پایبند هستند.

۲. پیامدهای اجتماعی: ازدواج‌های مختلط ممکن است به چالش‌های هویتی برای فرزندان این خانواده‌ها منجر شود. این کودکان ممکن است با دو هویت متفاوت مواجه شوند که می‌تواند به مشکلات هویتی و اجتماعی منجر شود. همچنین، ممکن است در جامعه نسبت به آن‌ها دیدگاه‌های منفی وجود داشته باشد که به تبعیض و نابرابری اجتماعی منجر گردد.

تأثیرات حضور اتباع افغانستان بر امنیت فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند توجه و مدیریت دقیق است. شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از این حضور می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌های مناسبی برای ادغام اجتماعی و فرهنگی، کاهش تنش‌ها و ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز میان جامعه میزبان و مهاجران طراحی کنند.

– تحلیل و ارزیابی تهدیدات پس از به قدرت رسیدن طالبان

تحلیل و ارزیابی تهدیدات ناشی از گسترش حضور اتباع افغانستان و به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن طالبان، به بررسی عمیق‌تری از روند افراطی‌گری و تأثیرات آن بر امنیت ایران نیاز دارد. تحولات اخیر در افغانستان نه تنها بر امنیت داخلی این کشور بلکه بر امنیت مرزی و داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیرگذار بوده است.

پس از سقوط دولت پیشین افغانستان در سال ۲۰۲۱ و بازگشت طالبان به قدرت، شاهد افزایش افراطی‌گری و فعالیت گروه‌های تروریستی در این کشور بوده‌ایم. طالبان به‌عنوان یک گروه جهادی، نه تنها خود را در مرزهای افغانستان تحکیم کرده، بلکه به‌طور غیرمستقیم شرایطی را ایجاد کرده که گروه‌های افراطی دیگر نیز از آن بهره‌برداری کنند. این گروه‌ها از فضای بی‌ثبات و ناپایدار افغانستان برای

تقویت خود استفاده کرده و به دنبال جذب نیرو و تأمین منابع مالی هستند. گروه‌هایی مانند داعش که سابقه فعالیت در افغانستان را دارند، باهدف گسترش نفوذ خود، برنامه‌هایی برای حملات تروریستی در داخل و خارج از افغانستان دارند. این امر می‌تواند به افزایش تهدیدات امنیتی در سطح منطقه و به‌ویژه ایران منجر شود، چراکه این گروه‌ها با استفاده از ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در افغانستان، فعالیت‌های خود را گسترش می‌دهند.

با توجه به اینکه ایران همسایه افغانستان است، هرگونه تغییر در وضعیت امنیتی این کشور می‌تواند تأثیرات جدی بر امنیت مرزی ایران داشته باشد. افزایش تعداد مهاجران افغان و همچنین افراطی‌گری می‌تواند به بروز چالش‌هایی برای نیروهای مرزی ایران منجر شود.

۱. تأثیر بر امنیت مرزها: افزایش مهاجرت و حرکت گروه‌های تروریستی می‌تواند به افزایش فشار بر مرزهای ایران منجر شود. این وضعیت ممکن است باعث افزایش نفوذ قاچاقچیان و گروه‌های تروریستی به داخل ایران گردد. به‌علاوه، نگرانی از ورود عناصر افراطی به خاک ایران می‌تواند به تشدید اقدامات امنیتی در مرزها منجر شود.

۲. تأثیر بر امنیت داخلی: به‌دلیل افزایش تهدیدات ناشی از گروه‌های افراطی، ایران ممکن است با چالش‌های جدیدی در زمینه امنیت داخلی مواجه شود. این تهدیدات می‌توانند به افزایش نگرانی‌های عمومی و سیاسی در جامعه منجر شوند و درنهایت، به بروز نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی بیانجامد.

همکاری‌های طالبان با گروه‌های مخالف ایران، به‌ویژه در مناطق مرزی، می‌تواند تبعات جدی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد.

۱. افزایش تهدیدات امنیتی: در صورت تشکیل ائتلاف میان طالبان و گروه‌های مخالف ایران، ممکن است شاهد افزایش حملات تروریستی و ناآرامی‌های مرزی باشیم. این همکاری‌ها می‌تواند به‌عنوان یک منبع تهدید برای امنیت ملی ایران عمل کنند و احتمال وقوع حملات تروریستی علیه نهادهای دولتی و نظامی را افزایش دهند.

۲. توسعه شبکه‌های تروریستی: همکاری طالبان با گروه‌های مخالف می‌تواند به توسعه شبکه‌های تروریستی در مناطق مرزی ایران منجر شود. این شبکه‌ها ممکن است به‌عنوان پل ارتباطی میان گروه‌های افراطی در افغانستان و ایران عمل کنند و از این طریق، تهدیدات امنیتی را تشدید کنند.

۳. اختلال در سیاست‌های منطقه‌ای: این نوع همکاری‌ها می‌توانند به اختلال در سیاست‌های امنیتی و خارجی ایران منجر شوند. ایران ممکن است مجبور شود برای مقابله با این تهدیدات، سیاست‌های امنیتی و نظامی خود را تغییر دهد و به‌صورت فعال‌تری در مسائل منطقه‌ای دخالت کند.

وضعیت امنیتی افغانستان پس از به قدرت رسیدن طالبان نه‌تنها چالش‌هایی برای خود این کشور به وجود آورده، بلکه تهدیدات جدی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز به همراه داشته است. شناسایی و تحلیل این تهدیدات، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا راهکارهای مؤثری برای مقابله با این چالش‌ها ارائه دهند و از وقوع بحران‌های احتمالی جلوگیری کنند.

– بررسی تأثیرات روانی و اجتماعی بر جامعه میزبان

حضور تعداد زیادی از مهاجران افغان در جمهوری اسلامی ایران تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر جامعه میزبان از جنبه‌های روانی و اجتماعی دارد. این تأثیرات می‌توانند به‌صورت مثبت و منفی بروز کنند و نیازمند بررسی دقیق و جامع هستند. یکی از چالش‌های اصلی، تنش‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند به احساس بی‌ثباتی و نارضایتی در میان جامعه میزبان منجر شود.

با ورود مهاجران افغان، جامعه میزبان با تنوع فرهنگی جدیدی مواجه می‌شود که ممکن است برای برخی از افراد جامعه میزبان دشوار باشد. تغییرات فرهنگی می‌تواند باعث بروز احساس تهدید در برابر هویت ملی و فرهنگی شود. این احساس تهدید ممکن است در برخی موارد منجر به ایجاد تبعیض یا احساس بیگانه‌هراسی در برابر مهاجران شود. به‌ویژه در مناطق با جمعیت مهاجر بالا، ممکن است تنش‌های اجتماعی بیشتری بروز کند، زیرا ساکنان محلی ممکن است احساس کنند که هویت فرهنگی و

بی‌ثباتی کمک نمایند. تحلیل تأثیرات روانی و اجتماعی حضور مهاجران افغان در ایران نشان‌دهنده اهمیت توجه به نیازها و چالش‌های هر دو گروه است. با اتخاذ رویکردهای جامع و حمایتی، می‌توان به بهبود وضعیت اجتماعی و کاهش تنش‌های موجود در جامعه میزبان کمک کرد و به همزیستی مسالمت‌آمیز و پایدار دست یافت.

– نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری نگرش‌ها

رسانه‌ها به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌دهی نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی نسبت به مهاجران، نقش بسزایی دارند. این ابزارهای ارتباطی با قدرت بالای خود می‌توانند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند و به تعیین رویکرد جامعه نسبت به مهاجران کمک کنند. از یک‌سو، رسانه‌ها می‌توانند با ارائه اطلاعات دقیق و آگاه‌کننده، به کاهش تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی کمک کنند. این اطلاعات می‌توانند شامل داستان‌های موفقیت مهاجران، دستاوردهای آنان در جامعه میزبان و همچنین نحوه تأثیر مثبت آنان بر اقتصاد و فرهنگ محلی باشد. در این حالت، رسانه‌ها می‌توانند به ایجاد فضایی مثبت و همدلانه در جامعه کمک کنند و مهاجران را به‌عنوان اعضای ارزشمند جامعه معرفی کنند. از سوی دیگر، رسانه‌ها همچنین می‌توانند با انتشار اخبار منفی، کلیشه‌ای و نادرست درباره مهاجران، به تشدید احساسات ضد مهاجرتی دامن بزنند. به‌ویژه در شرایط بحرانی، مانند وقوع جرم یا بحران‌های اجتماعی، ممکن است رسانه‌ها به‌طور غیرمنصفانه‌ای مهاجران را به‌عنوان مقصر اصلی معرفی کنند. این نوع پوشش خبری می‌تواند به ایجاد احساس بی‌اعتمادی و تنش‌های اجتماعی بین مهاجران و جامعه میزبان منجر شود. به‌علاوه، این نوع پوشش رسانه‌ای می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌های منفی و قضاوت‌های نادرست درباره مهاجران تأثیرگذار باشد و به تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی دامن بزند.

بررسی نقش رسانه‌ها در ایجاد یا کاهش تنش‌ها، نیازمند تحلیل محتوای رسانه‌ای مرتبط با مهاجران افغان است. این تحلیل می‌تواند شامل بررسی نوع پوشش خبری، فراوانی اخبار مثبت و منفی و نوع رویکردها و زبانی باشد که در رسانه‌ها استفاده می‌شود. همچنین، توجه به تأثیرات روانی این نوع پوشش‌ها بر جامعه میزبان و مهاجران نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

اجتماعی‌شان تحت تأثیر قرار گرفته است. برخی از اعضای جامعه میزبان ممکن است احساس کنند که منابع و خدمات عمومی، از جمله خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی، به‌طور نامتناسبی به مهاجران اختصاص داده شده است. این احساس می‌تواند منجر به دل‌سردی و ناراضی‌ت در بین ساکنان محلی شود، به‌ویژه در شرایط اقتصادی دشوار که منابع عمومی محدود هستند. در این صورت، اتهامات مبنی بر این‌که مهاجران بار مالی بیشتری بر دوش دولت می‌گذارند، می‌تواند به افزایش تنش‌ها و مشکلات اجتماعی منجر شود. این شرایط می‌تواند به شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی که از حقوق مهاجران دفاع می‌کنند و گروه‌های دیگر که علیه آن‌ها موضع می‌گیرند، بروز کند.

در این راستا، اهمیت شناخت تأثیرات روانی و اجتماعی حضور مهاجران بر جامعه میزبان غیرقابل‌انکار است. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح می‌تواند به کاهش این تنش‌ها و بهبود وضعیت اجتماعی کمک کند. برای مثال، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و فرهنگی می‌تواند به ارتقاء فهم متقابل فرهنگی کمک کند و به افراد جامعه میزبان نشان دهد که مهاجران نیز به دنبال زندگی بهتر و همزیستی مسالمت‌آمیز هستند. همچنین، ترویج ارزش‌های همبستگی و همیاری در میان دو گروه می‌تواند به کاهش احساس تنش و ناراضی‌تی کمک کند. به‌علاوه، مشارکت فعال اعضای جامعه میزبان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی می‌تواند حس تعلق و ارتباط آن‌ها را با مهاجران تقویت کند. با ایجاد فرصت‌های مشترک برای همکاری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، می‌توان به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش احساس بیگانگی کمک کرد. این اقدام می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش ثبات اجتماعی منجر شود و به همزیستی مسالمت‌آمیز میان مهاجران و جامعه میزبان کمک کند.

لازم است تا با ارائه برنامه‌های حمایتی و خدمات اجتماعی مناسب برای هر دو گروه، به تقویت روابط مثبت و کاهش تنش‌ها پرداخته شود. این اقدامات باید شامل تسهیل دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی برای مهاجران و همچنین ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان محلی باشد. به این ترتیب، می‌توان به یک وضعیت پایدار و سالم اجتماعی دست یافت که در آن هم مهاجران و هم اعضای جامعه میزبان بتوانند از فرصت‌ها و منابع موجود بهره‌برداری کنند و در نهایت، به کاهش احساس ناراضی‌ت و

توسعه‌ای مشترک می‌تواند به بهبود شرایط زندگی آنان و کاهش بار اجتماعی و اقتصادی بر دوش جامعه میزبان کمک کند. این برنامه‌ها می‌تواند شامل ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای مهاجران باشد.

به‌منظور شناسایی و اجرای این برنامه‌ها، بررسی تجارب کشورهای دیگر در مدیریت بحران‌های مشابه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. کشورهایی که با چالش‌های مشابهی در زمینه مهاجرت و امنیت مواجه بوده‌اند، می‌توانند الگوهای موفق را ارائه دهند که ایران می‌تواند از آن‌ها بهره‌برداری کند. این تجربیات می‌تواند شامل تجزیه و تحلیل شیوه‌های مختلف مدیریت مهاجرت، برنامه‌های ادغام مهاجران و نحوه تعامل با جامعه میزبان باشد. درنهایت، همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نه تنها به مدیریت بهتر بحران‌های ناشی از حضور اتباع افغان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تقویت روابط دیپلماتیک و همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای منطقه نیز منجر شود. با ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و همکاری، ایران می‌تواند نقش مهمی در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای ایفا کند و به سمت ایجاد امنیت پایدار و توسعه منطقه‌ای حرکت کند.

نتیجه‌گیری

حضور اتباع افغانستان در جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه پس از تحولات اخیر و به قدرت رسیدن طالبان، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ابعاد مختلف امنیت ملی کشور داشته است. این تأثیرات به‌ویژه در زمینه‌های امنیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قابل توجه است. افزایش تعداد مهاجران افغان در ایران به‌دلیل وضعیت ناامن در افغانستان، به چالش‌هایی از جمله افراطی‌گری و تروریسم، فشار بر بازار کار و خدمات عمومی و تنش‌های فرهنگی و اجتماعی منجر شده است. تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که فرضیه تحقیق مبنی بر تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل گسترش حضور اتباع افغان، تأیید می‌شود؛ بنابراین، برای مدیریت بهتر این وضعیت، لازم است که سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثری در جهت کاهش تهدیدات امنیتی و تسهیل ادغام مهاجران در جامعه میزبان طراحی و اجرا شوند. پیشنهاداتی مانند تقویت مرزها و نیروی امنیتی، طراحی برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی برای مهاجران و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و بهبود شرایط اقتصادی کشور کمک کند.

این بررسی‌ها می‌توانند به شفاف‌سازی چالش‌ها و فرصت‌های موجود کمک کنند و به سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی ابزارهای لازم را برای مدیریت بهتر ارتباطات اجتماعی و رسانه‌ای ارائه دهند.

رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان پلی برای ایجاد گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها عمل کنند. با ترویج روایت‌های مثبت و ایجاد فضایی برای شنیدن صدای مهاجران، رسانه‌ها می‌توانند به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و کاهش تنش‌ها کمک کنند؛ بنابراین، ایجاد برنامه‌های آموزشی برای خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای درباره نحوه پوشش موضوعات مهاجرت و ارائه اطلاعات دقیق و عادلانه می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و تقویت روابط اجتماعی بین مهاجران و جامعه میزبان منجر شود.

مدیریت بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای

در شرایط کنونی، مدیریت بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه در زمینه بحران‌های مهاجرت و امنیت، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. با توجه به وضعیت پیچیده‌ای که پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان به وجود آمده و تأثیر آن بر کشورهای همسایه، ایران باید به دنبال ایجاد همکاری‌های مؤثر با کشورهای همسایه، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیردولتی باشد تا بتواند چالش‌های ناشی از حضور اتباع افغان را مدیریت کند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل اطلاعات بین کشورها، به اشتراک‌گذاری تجربیات و بهترین شیوه‌ها در مدیریت بحران‌ها و هماهنگی در زمینه برنامه‌ریزی‌های مشترک برای امنیت مرزی باشد.

یکی از ابعاد مهم این همکاری‌ها، ایجاد برنامه‌های مشترک برای امنیت مرزی است. ایران و کشورهای همسایه می‌توانند با برگزاری جلسات مشترک و استفاده از تجربیات یکدیگر، راهکارهای مناسبی برای جلوگیری از نفوذ گروه‌های تروریستی و افراطی که ممکن است از ناآرامی‌های افغانستان بهره‌برداری کنند، توسعه دهند. این نوع همکاری می‌تواند شامل اجرای گشت‌های مشترک مرزی، تبادل اطلاعات در خصوص تهدیدات امنیتی و ارزیابی‌های مشترک از وضعیت مرزها باشد. علاوه بر این، همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی کمک کند. با توجه به اینکه بسیاری از مهاجران افغان در مناطق مرزی ساکن هستند، برنامه‌های

همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه مدیریت بحران‌های مهاجرت و امنیتی از اهمیت بالایی برخوردار است. ایران باید با کشورهای همسایه و نهادهای بین‌المللی در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی همکاری کند تا به راهکارهای مشترکی برای مدیریت چالش‌های ناشی از حضور مهاجران افغان دست یابد. توسعه برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مشترک می‌تواند به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز بین مهاجران و جامعه میزبان کمک کند و فهم متقابل فرهنگی را ارتقاء دهد.

با اتخاذ رویکردی جامع و چندجانبه، ایران می‌تواند نه تنها امنیت ملی خود را حفظ کند، بلکه به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی نیز کمک نماید و از این فرصت‌ها به نفع تمامی اقشار جامعه بهره‌برداری کند.

حالی که شرایط به وجود آمده و ناشی از حضور مهاجرین، تشدید این مباحث را به دنبال خواهد داشت. طبیعی است چنین وضعیتی در ایران تأثیر بسزایی بر فرهنگ داشته و بالطبع امنیت فرهنگی را تهدید می‌نماید. در مهاجرت‌ها مخصوصاً در مهاجرت‌های خارجی جمعیت وارد شده به یک منطقه تأثیراتی بر جامعه می‌گذارد و از سویی دیگر تحت تأثیر همان جامعه قرار می‌گیرد. انسان‌هایی که در یک مقطع زمانی و مکانی دورهم جمع شده‌اند یک سیستم فرهنگی برای زندگی اجتماعی در کنار هم به وجود می‌آورند که این سیستم فرهنگی انگاره کنش متقابل را در نزد آنان شکل می‌دهد بر اثر این انگاره، سازمان اجتماعی آنان به صورت مناسبی استوار می‌گردد تا وقتی فرد در این اجتماع ساکن است رفتار فرد بر اساس نظام کنش متقابل بهنجار است ولی بر اثر مهاجرت، فرد مهاجر در مقصد با عدم کارکرد این نظام کنش روبروست از ملاک‌ها و ارزش‌های افراد مقصد آگاهی ندارد و ارزش‌ها و ملاک‌های خودش نیز خریداری ندارد از این رو انگاره دگرگون می‌شود و کم‌کم سازمان اجتماعی سابق به اضمحلال می‌گراید. اینجاست که معمولاً به واسطه سردرگمی و یا نبود کنترل بر اثر اضمحلال سازمان اجتماعی سابق، راه انتخابی او به بیراهه منتهی شده و گمراه و کج‌رو تلقی می‌گردد.

به‌طور کلی هر قدر روابط صمیمانه افراد گروه کاهش یابد و فرد گمنام شود از نظارت آشنایان رها شده، زمینه برای انحراف نرم و معیارهای اجتماعی بیشتر پدید می‌آید به عبارت دیگر هر قدر فشار اجتماعی و نظارت گروه‌های آشنا روی فرد کمتر شود و به همان میزان فرد برای انحراف از

منابع

۱. حاتمی، محمدرضا. (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در ج.ا.ا، فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، سال یازدهم، شماره اول، بهار، صص ۱-۱۷. <http://priw.ir/article-1-1498-en.html>
۲. علی پور، عباس، سعادت‌ی جعفرآبادی، حسن و دهقانی فیروزآبادی، جلیل. (۱۳۹۶). شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. <https://sid.ir/paper/506834/fa>
۳. محمدی، یدالله، خداوردی، حسن، کشیشیان، گارینه و مطلبی، مسعود. (۱۳۹۸). علل و ویژگی‌های مهاجرت اتباع افغانستان به ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، رهیافت انقلاب اسلامی <https://ensani.ir/fa/article/440573>
۴. حسین عزیزی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات حضور اتباع بیگانه در امنیت کشور با تأکید بر اتباع افغانی، پرتال جامع علوم انسانی. <http://noo.rs/xIRX3>
۵. طلایی‌نیک، رضا. (۱۳۸۷). مدیریت مدرانه و چالش اتباع بیگانه در ایران، مردم‌سالاری، ۲ اردیبهشت، صص ۱۳.

<http://dl.nlai.ir/UI/44224e58-f08e-4769-8492-7e2f85f9ea41/Catalogue>

تمامی اقشار جامعه بهره‌برداری کند.

حالی که شرایط به وجود آمده و ناشی از حضور مهاجرین، تشدید این مباحث را به دنبال خواهد داشت. طبیعی است چنین وضعیتی در ایران تأثیر بسزایی بر فرهنگ داشته و بالطبع امنیت فرهنگی را تهدید می‌نماید. در مهاجرت‌ها مخصوصاً در مهاجرت‌های خارجی جمعیت وارد شده به یک منطقه تأثیراتی بر جامعه می‌گذارد و از سویی دیگر تحت تأثیر همان جامعه قرار می‌گیرد. انسان‌هایی که در یک مقطع زمانی و مکانی دورهم جمع شده‌اند یک سیستم فرهنگی برای زندگی اجتماعی در کنار هم به وجود می‌آورند که این سیستم فرهنگی انگاره کنش متقابل را در نزد آنان شکل می‌دهد بر اثر این انگاره، سازمان اجتماعی آنان به صورت مناسبی استوار می‌گردد تا وقتی فرد در این اجتماع ساکن است رفتار فرد بر اساس نظام کنش متقابل بهنجار است ولی بر اثر مهاجرت، فرد مهاجر در مقصد با عدم کارکرد این نظام کنش روبروست از ملاک‌ها و ارزش‌های افراد مقصد آگاهی ندارد و ارزش‌ها و ملاک‌های خودش نیز خریداری ندارد از این رو انگاره دگرگون می‌شود و کم‌کم سازمان اجتماعی سابق به اضمحلال می‌گراید. اینجاست که معمولاً به واسطه سردرگمی و یا نبود کنترل بر اثر اضمحلال سازمان اجتماعی سابق، راه انتخابی او به بیراهه منتهی شده و گمراه و کج‌رو تلقی می‌گردد.

به‌طور کلی هر قدر روابط صمیمانه افراد گروه کاهش یابد و فرد گمنام شود از نظارت آشنایان رها شده، زمینه برای انحراف نرم و معیارهای اجتماعی بیشتر پدید می‌آید به عبارت دیگر هر قدر فشار اجتماعی و نظارت گروه‌های آشنا روی فرد کمتر شود و به همان میزان فرد برای انحراف از

۶. گیس، سام. (۱۳۸۳). شرایط افغانستان هنوز مهیای زندگی و تحصیل نیست، بنفشه / شرق، ۱۵ مهر، ص ۲۶. <https://lib.pnu.ac.ir/dL/search/default.asp?Term=521857&Field=0&DTC=3>
۷. موحد، محمد. (۱۳۸۰). اشتغال اتباع بیگانه در کشور یک میلیون فرصت شغلی را از جوانان می‌گیرد. کیهان، ص ۶. <https://libapp.uok.ac.ir/site/catalogue/231164>.
۸. فهیمی‌راد، حمید. (۱۳۹۰). مهاجرت اتباع بیگانه (افغانه) به استان خراسان رضوی: پیامدها و راهکارهای امنیت. سبحان توس. <https://libapp.uok.ac.ir/site/catalogue/231164>
۹. محمدی، یداله. (۱۴۰۰). مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی (۱۳۵۷-۱۴۰۰). برتراندیشان. <http://www.bookvision.ir/Book.aspx?id=KGF560867>
۱۰. فهیمی‌راد، حمید، (۱۳۹۰). مهاجرت اتباع بیگانه (افغانه) به استان خراسان رضوی: پیامدها و راهکارهای امنیت. سبحان توس. https://journal.ut.ac.ir/article_55540.html
۱۱. سیفی، آناهیتا، رزمخواه، نجمه. (۱۴۰۲). زنان مهاجر و امنیت انسانی: با نگاهی به مسائل مهاجران افغانستانی در ایران. دانشگاه پیام نور. https://press.pnu.ac.ir/book_31048.html
۱۲. احمدی، محمدرضا؛ (۱۳۸۴)، «فرهنگ، قدرت و امنیت ملی»، نشریه مریان، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۱۱۳-۱۳۹. <https://ensani.ir/fa/article/journal>
۱۳. سید شگری، میر محمدرضا. استاد رحیمی، رضا، پیامدهای ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، <http://sociologyofiran.com> : ۱۳۸۷/۱/۲
۱۴. جمشیدیان، هادی؛ (۱۳۸۹)، تبیین نظریه امنیتی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، رساله دکتری رشته امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه دفاع عالی.